**انترناسیونال ۶۶۴**

**اقتصاد ایران با چه معضلاتی روبروست؟**

گفتگو با کاظم نیکخواه

**انترناسیونال**: *جمهوری اسلامی شدیدا در تکاپوی جذب سرمایه های خارجی در ایران است. محمد جواد ظریف در مصاحبه ای در سوئد گفت: محیطی بهتر از ایران برای سرمایه گذاری وجود ندارد. بنظر شما این "بهترین محیط سرمایه گذاری"، چه خصوصیاتی دارد؟*

**کاظم** **نیکخواه**: منظور وزیر امور خارجه حکومت اسلامی قاعدتا باید اشاره به شرایط برده وار کار و بهره کشی شدید از کارگران در ایران باشد که دهان هر سرمایه داری را آب می اندازد. چیزی جز این ندارند که در برابر سرمایه داران خارجی به آن افتخار کنند: منظورم فاکتورهایی از جمله دستمزدهای ٤ بار زیر خط فقر یعنی ٨١٢ هزارتومان در ماه که چیزی حدود هفت هشت دلار در روز میشود، امکان نپرداختن ماهها همین دستمزد چندرغاز به کارگران، وجود قریب ده میلیون کارگر بیکار و جوان تحصیلکرده و غیر تحصیلکرده آماده بکار، و نبود حسابرسی. اینها میتواند برای سرمایه داران بسیار وسوسه انگیز باشد. کل شرایط وحشتناک بهره کشی و استثمار برده واری که این حکومت علیه کارگران ایجاد کرده و از قبل آن یک مشت پاسدار و آخوند و آقازاده و سرمایه دار حریص یک شبه ثروتهای نجومی به هم زده اند برای هر سرمایه داری میتواند یک رویا باشد. حتما وزیر امور خارجه در پشت پرده بطور مشخص در مورد این شرایط در ایران حرف زده است. اما یک مشکل "کوچک" که هر سرمایه داری در رابطه با جمهوری اسلامی دارد و بارها از زبان سرمایه داران و دیپلماتهای مختلف بیان شده است، عدم شفافیت و نا امنی و بی حساب و کتابی است. وجود مافیای اقتصادی و باندها و دستجات و آقازاده های مفتخوری که با رانت خواری پروار شده اند. هیچ سرمایه داری بسادگی نمیتواند با اینها رقابت کند. اینها را به سادگی نمیتوانند سر راه بردارند یا با آنها کنار بیایند. سرمایه داری که بخواهد در ایران سرمایه گذاری جدی بکند باید اول با مراکز قدرت و باندهای مافیائی آقا زاده ها و سپاه پاسداران در ارتباط و معامله قرار گیرد. این باعث میشود که سرمایه گذاری در ایران با کندی و محدود پیش برود و پاسخگوی نیازهای این اقتصاد بحران زده نباشد.

**انترناسیونال**: *آیا فکر می کنید رژیم میتواند محیط مناسب و امنی برای سرمایه های خارجی فراهم کند؟*

**کاظم نیکخواه:** موانع سرمایه گذاری در ایران بسیار جدی است. این موانع بیشتر از اینکه اقتصادی باشد سیاسی است و به نفس وجود جمهوری اسلامی و نهادهای قدرتی که ایجاد کرده مربوط میشود. هرکسی به زبانی دارد این را بیان میکند. چند هفته پیش جان کری وزیر امور خارجه آمریکا در پاسخ به طرفهای ایرانیش که از آمریکا انتقاد میکردند که چرا خبری از سرمایه گذاری در ایران از جانب سرمایه داران غربی نیست، گفت سرمایه داران احساس امنیت نمیکنند. این امنیت را ما نمیتوانیم به آنها بدهیم شما باید بدهید. قبل از آن حدود یک ماه پیش سه مجله غربی مشهور و لیبرال غربی یعنی مجله اکونومیست، فوربس و نیویورک تایمز همزمان به بررسی امکانات و موانع سرمایه گذاری در ایران پرداختند. هرسه در این مورد اتفاق نظر داشتند که مساله امنیت و بی ثباتی مشکل اصلی در ایران است. به موانع مهم دیگری هم اشاره کردند از جمله رشد نیافتگی و بقول آنها "کم عمقی" اقتصاد ایران که امکان جذب نقدینگی زیاد را ندارد و اگر پول زیاد در آن وارد شود کلا قفل میکند و بهم میریزد. چون امکان جذبش را ندارد. امیدوارم در ادامه بحث به جنبه هایی از این نکات بپردازیم.

بی ثباتی سیاسی که این کارشناسان مطرح میکنند قابل توجه است. اشاره شان به همان فضایی است که ما بارها در مورد آن بحث کرده ایم که هر آن ممکن است در ایران کشاکش جناحهای حکومت و یا شورش و انقلابی صورت گیرد و اوضاع را بهم بریزد. نظیر انچه که در سال ٨٨ شاهدش بودیم. که حکومت اسلامی را تا لبه سقوط پیش برد.

بعبارت دیگر حکومت اسلامی در اقتصاد با مانع وجود خودش مواجه است. این حکومت صفوفش را در شرایط ویژه ای با ایدئولوژی اسلامی و ضد غربی گری شکل داده. الان همینها مزاحمش هستند و هیچ کس قدرت این را ندارد که این آرایش را به هم بزند. این یک مانع است. مانع دیگر شرایط سیاسی در جامعه است. فضای جامعه بشدت انفجاری است. مردم مترصد فرصت هستند تا حکومت تحجر و کشتار و اعدام را به زیر بکشند. این هم خود باعث میشود حکومت اسلامی جرات نکند به ترکیب نیروهایش دست بزند. وجود جنگ و کشاکش جناحهای حکومت و فضای اعتراضی و انفجاری در جامعه معضل مهلکی را برای اقتصادی جمهوری اسلامی ایجاد کرده است.

**انترناسیونال**: *یعنی فقط مشکل سیاسی مانع است؟*

**کاظم نیکخواه**: نه بهیچوجه. نکته ای که میخواهم بگویم اینست که مشکل سرمایه داری ایران اینست که از نظر اقتصادی بی نهایت انگلی و رانت خوارانه و چپاولگرانه است. از نظر روال کارکردش مافیائی است. و از زاویه دولت و قوانین اسیر دست ایدئولوژی اسلامی و ضد غربی گری است. اما اول باید موانع سیاسیش کنار برود که بتواند تکان بخورد.

بگذارید به یک مانع جدی اقتصادیش بیشتر بپردازیم. اگر یک سیستم متعارف گردش سرمایه را در نظر بگیرید اساسا با تولید ارزش اضافه میچرخد. این خودش دزدی است. اما یک نوع معین از دزدی که بدرجه ای پوشیده و نهادی است و با تولید عجین است. یعنی به بیان ساده کارگر را به کار میگیرد، استثمار میکند و سود بالا میکشد. اما سیستمی که تماما انگلی و غارتگر است زیاد به تولید کاری ندارد. سرمایه دار اینجا با رشوه و دزدی از خزانه دولتی و تامین اجتماعی و با رانت خواری و دلالی و سفته و سهام بازی پولهای عظیم و بادآورده جمع میکند.

نمیخواهم سرمایه داری غربی و غیره را تبرئه کنم. اشاره کردم سرمایه داری حتی وقتی هم که خیلی متعارف است اساسش روی دزدی از دسترنج و کار کارگر است و بویژه الان در شرایط تاریخی کنونی در اکثر جاها دارد از گسترش تولید دورتر و دورتر میشود و از طریق تکنولوژی جدید به ایجاد نهادهای مجازی و پول اندوزی سریع از طریق سفته و سهام و بورس و دلالی رو می آورد. دوره کنونی دوره یکه تازی سرمایه مالی و مجازی و دلالی در همه جای دنیا است.

در ایران اما این سیستم فقط انگلی و گندیده نیست. مافیائی هم هست. دوری و نزدیکی به مراکز قدرت برای سرمایه دار حیاتی است. یعنی وقتی کسی بخواهد از این سیستم پول دربیاورد کافی نیست که دزد و حریص و بی رحم باشد باید بتواند وارد خانواده مافیای اقتصادی شود تا حاشیه امن داشته باشد. و این کار ساده ای نیست. یک شبه امکانش وجود ندارد. جنگ و رقابت در این سیستم بسیار بالاست. هرکس که زودتر آمده حق آب و گل دارد. روابط خانوادگی و فامیلی و پارتی بازی مهم میشود. رابطه با مراکز اصلی سپاه و باندهای مسلح و نیروهای انتظامی و بیت رهبری مهم میشود. و الی آخر. این مساله ای بسیار جدی در ایران است. که هیچکس نمیتواند بسادگی آنرا دور بزند. حتی خود دست اندرکاران حکومت اکثرا تابع این سیستم مافیائی هستند و کار زیادی از دستشان بر نمی آید حتی اگر بخواهند.

**انترناسیونال**: *جمهوری اسلامی برای ساختن "بهترین محیط سرمایه گذاری" چه اقداماتی کرده و یا می تواند انجام دهد؟*

**کاظم نیکخواه**: تلاشهای زیادی دارند میکنند. این روزها صدها نهاد و سازمان ویژه سرمایه گذاری ایجاد شده است که دارند با طرفهای خارجی بحث میکنند تا آنها را به سرمایه گذاری در ایران تشویق کنند. کنفرانسها، ملاقاتها، تبلیغات، و رفت و آمدها بسیار فعال است. اما دست اندرکاران اقتصادی جمهوری اسلامی اعتراف میکنند که توفیق چندانی در زمینه گسترش سرمایه گذاری خارجی نداشته اند. ما داریم از اقتصادی حرف میزنیم که سالهاست زمین گیر شده است. دچار بحران سی چهل ساله است. فساد سرتاپایش را گرفته است.

به همین دلیل همین تلاشها و نهادها هم به منبع رانت خواری و پول بالا کشیدن تبدیل شده است و کار زیادی انجام نمیدهند. "مرکز تحقیقات استراتژیک" وابسته به وزارت خارجه حکومت اسلامی اخیرا در رابطه با مشوقهای سرمایه گذاری نوشته است این مشوقها به سرمایه گذاری جدی نینجامیده است بلکه "کسانی وارد میدان سرمایه گذاری شده اند که سرمایه گذار نبوده و صرفاً با بهره گیری از شرایط رانتی اقتصاد و سوء استفاده از امتیازات و تسهیلات اعطایی، اقدام به فعالیت کرده اند. ارائه ارز ارزان قیمت، تسهیلات بانکی و معافیتهای مختلف زمینه ساز ایجاد رانت است. این مساله، روند سرمایه گذاری وتولید را دچار اختلال کرده است". وقتی به تبلیغات و فضا سازی میرسیم همین ها را در بوق و کرنا میکنند که چقدر برای تشویق سرمایه گذاری پول خرج کرده اند. اما در عمل همانطور که می بینیم به جیب چند تا آقازاده و آخوند و پاسدار کلاش ریخته شده است.

تلاشهای دیگری هم انجام میدهند و یک مقدار ناچیزی هم با کنار رفتن تحریمها سرمایه گذاری ها در ایران راه افتاده است. اما اقتصادی که سالهاست دچار رکود و بحران و تورم است به این سادگی ها از جا تکان نمیخورد و همه پولها و سرمایه گذاریها و تلاشها را مثل حفره های سیاه فضایی می بلعد و محو میکند.

**انترناسیونال**: *آیا جذب سرمایه های خارجی کمکی به بحران اقتصادی رژیم می کند؟*

**کاظم نیکخواه**: اقتصاد ایران به دلیل کل شرایط وجودی جمهوری اسلامی کج و معوج رشد کرده است. پایه اساسیش روی نفت است که در دست دولت است. و دولت هم از یک مجموعه آخوند و پاسدار و آقازاده دزد و مولتی میلیاردر دزد تشکیل شده است. طی سالهای اخیر و با تحریم آمریکا و غرب، سرمایه چینی و روسی در ایران نفوذی به هم زده است. اما اینها هم اساسا سرمایه های تجاری و وارداتی هستند و بدرجه ای که در ایران وارد سرمایه گذاری شده اند با همان مراکز قدرت مرتبط شده اند. کل این مجموعه یک بلوک قدرتمند مالی و مافیائی ایجاد کرده است که تکان دادن آن کار ساده ای نیست.

بحران اقتصادی در ایران را باید با به حرکت در آوردن تولید حل کرد. بیکاری گسترده، گرانی و تورم مزمن، رکود تولید اینها مختصات بحران اقتصادی در ایران را نشان میدهند. چگونه میشود اینها را از بین برد؟ چه کسی میخواهد اینها را از بین ببرد؟ یک تصویر سازی ساده از جانب ملی اسلامی ها و طرفداران دولت روحانی این بود که بعد از قرارداد کذایی "برجام" سرمایه داران خارجی می آیند و وسیعا سرمایه گذاری میکنند و تولید را راه می اندازند و همه چیز خوب و خوش پیش میرود. الان خیلی ها فهمیده اند که اینها همه اش خوش خیالی و یا عوامفریبی بود.

نه تولید فعال شده است، نه بیکاری کم شده است نه گرانی و تورم کاهش یافته است. حتما افت و خیزها و یک تغییرات محدودی صورت میگیرد. اما موانع اصلی همانطور که گفتم برجای خود باقی است و به این سادگیها کنار نخواهد رفت.

شعارهایی که در مورد "اقتصاد مقاومتی" و "ایستادن روی پای خود بدون نفت" و امثال اینها بیشتر تبلیغات سیاسی یک جناح حکومت در مقابل جناح دیگر است تا برنامه اقتصادی. و اتقاقا همینها هم نشان میدهد که مشکل اساسی بر جای خود باقی است.

**انترناسیونال**: *چه تغییری در زندگی کارگران و و سایر اقشار مردم قابل تصور است؟*

**کاظم نیکخواه**: قربانی اصلی این شرایط اقتصادی نابهنجار در ایران کارگران هستند. هیچکس بیش از کارگران در ایران زیر فشار نیست. اقشار دیگر مردم هم بسته به اینکه به کجای اقتصاد وصل باشند متحمل فشارهایی میشوند. بخش اعظم مردم ایران قدرت خریدشان بسیار پایین است و باید برای تهیه نان شب مدام دوندگی کنند. اما اگر شما کارگر باشید. شاغل بودنتان به معنای دست و پنجه نرم کردن با حقوق های زیر خط فقر است. و در عین حال تهدید بیکاری مدام بالای سر شما خواهد بود. و نپرداختن دستمزدهای زیر خط فقر را تجربه میکنید و هزار مساله و فشار و مصائب دیگر.

شرایط نسبتا جدیدی که ایجاد شده برای کارگران بخودی خود بهبودی را در بر نخواهد داشت. کارگر باید برای بقا بجنگد و مبارزه کند و حق و حقوقش را از حلقوم یک مشت حریص و مفتخور بی خاصیت بیرون بکشد. اما یک تفاوت که میشود حس کرد اینست که صفوف حکومت در برابر کارگران شکننده تر شده است. تشدید تناقضات در صفوف حکومتی ها باعث شده است که کارگران بتوانند بیشتر صدایشان را به هم برسانند و فشار بیشتری روی حکومت و کارفرمایان بگذارند.

اخیرا شاهد بودیم که دادگاههای جمهوری اسلامی علیه کارگران معدن طلای آق دره در تکاب حکم شلاق دادند و ١٧ کارگر را شلاق زدند. این گستاخی و شقاوت حکومتی ها اما فقط از جانب کارگران و جناح چپ نبود که مورد حمله و اعتراض قرار گرفت. حتی از درون صفوف حکومت سر وصدا ها بلند شد و حتی یکی از نمایندگان مجلس آنرا قرون وسطائی خواند. و نهایتا مجبور شدند مدیر کل کار استان آذربایجان غربی را برکنار کنند. این اتفاق خیلی سمبلیک دوره کنونی را بیان میکند. یعنی هم کارفرمایان و دولت سعی میکنند با خشونت اعتراضات را خفه کنند، و هم مقاومت و اعتراض و مقابله با این سیاستها جدی و گسترده و جهانی خواهد بود، و هم در صفوف حکومت شاهد شکافهای بیشتر و بیشتری خواهیم بود. این آن تغییر فوری است که شاهدش هستیم و خصلت این دوره را بیان میکند.

بهرحال برای کارگران راه دیگری جز تشدید مبارزه علیه تعرض سرمایه داران نخواهد بود. حتی اگر فرض کنیم سرمایه گذاریهای گسترده خارجی صورت گیرد، معنایش تشدید فشار به کارگران است نه برعکس.

**انترناسیونال**: *با تشکر از شرکت شما در این گفتگو.*